

بسم الله الرحمن الرحيم

بیگانہ

نویسنده: آلبر کامو
مترجم: جلال آل احمد

سرشناسه: کامو، آلبر، ۱۹۶۰م. Camus, Albert
عنوان و نام پدیدآور: بیگانه / نویسنده: آلبر کامو، مترجم: جلال آل احمد.
مشخصات نشر: قم، بیلاق سبز، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص.
شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۶۱۲۴-۰۴-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: عنوان اصلی: 'Stranger'
موضوع: داستان های فرانسوی - - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده: آل احمد، جلال، مترجم.
رده بندی کنگره: الف ۱۳۹۸، ب ۹، ۸۳ الف / PQ ۲۶۳۴
رده بندی دیویی: ۸۳۳/۹۱۴
شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۸۹۴۴۱

انتشارات بیلاق سبز

بیگانه

نویسنده: آلبر کامو
مترجم: جلال آل احمد
نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸
چاپ: احسان
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

۴۲۸۰۰۰۰

مقدمه

آلبر کامو، نویسنده معاصر فرانسوی است که نزدیک به همه عمر خود را در تونس و الجزیره و شهرهای آفریقای شمالی و فرانسه گذرانیده است. به همین علت در این داستان بزرگترین نقش را آفتاب سوزان نواحی گرم به عهده دارد. قهرمان داستان به علت همین آفتاب است که آدم میکشد و در کار بزرگ دیگرش به نام «طاعون» همین نویسنده، بالای طاعون را بر یک شهر گرمزده آفریقا نازل می‌کند که «تغییرات فصول را فقط در آسمان آن می‌شود خواند و در آن نه صدای بال پرنده‌ای را می‌توان شنید و نه زمزمه بادی را لای برگ‌های درختی.»

«طاعون» که بزرگترین اثر این نویسنده شمرده می‌شود داستان ایستادگی قهرمانان اساسی کتاب است در مقابل مرگ؛ در مقابل بالای طاعون. داستان دلوپسی‌ها و اضطراب‌ها و فداکاری‌ها و بی‌غیرتی‌های مردم شهر طاعون زده‌ای است که طنین زنگ ماشین‌های نعش‌کش آن؛ در روزهای هجوم مرض، دقیقه‌ای فرو نمی‌نشیند و بیماران طاعون زده را باید به زور سرنیزه از بستگانشان جدا کرد. غیر از این کتاب که به عنوان بزرگترین اثر منشور سال‌های اخیر فرانسه به شمار رفته است. آلبر کامو؛ دو نمایشنامه دارد. یکی به نام «سوء تفاهم» و دیگری «کالیگولا» و پس از آن کتاب‌ها و مجموعه مقالات دیگر او است به این ترتیب «نامه‌هائی به یک دوست آلمانی»، «افسانه سیزیف» و مجموعه کوچکی به نام «سور» و چند اثر دیگر.

آلبر کامو، که همچون اثر پل سارتر در ردیف چند نویسنده تراز اول امروز فرانسه نام برده می‌شود، یک داستان نویس عادی نیست که برای سرگرم کردن خوانندگان، طبق نسخه معمول، مردی را به زنی دلبسته کند و بعد با ایجاد موانعی در راه وصال آن دو به تعداد صفحات داستان خود بیفزاید. داستانهای این مرد داستان‌هایی است فلسفی، که نویسنده، درک دقیق خود را از زندگی و مرگ، از اجتماع و قیود و رسوم آن و هدف‌هایی که به خاطر آنها می‌شود زنده بود، در ضمن آنها بیان کرده است.

از این لحاظ «بیگانه» و «طاعون» این نویسنده، جالب‌تر از دیگر آثار اوست: در این دو داستان، نویسنده خود را روبروی مرگ قرار می‌دهد. سعی می‌کند مشکل مرگ را برای خودش و خواندگانش حل کند. سعی می‌کند دغدغه مرگ و هراس آن را زایل کند. قهرمان داستان اولی؛ که ترجمه آن اکنون در دست شما است (و امید است که ترجمه‌ای دقیق و امین باشد) «بیگانه» ای است که گرچه درک می‌کند بیهوده زنده است ولی در عین حال به زیبایی‌های این جهان و به لذاتی که نامنتظر در هر قدم سر راه آدمی است سخت دلبسته است و با همین‌ها است که سعی می‌کند خودش را گول بزند و کردار و رفتار خود را به وسیله‌ای و به دلیلی موجه جلوه دهد.

مردی است از همه چیز دیگران بیگانه. از عادات و رسوم مردم؛ از نفرت و شادی آنان و آرزوها و دل‌افسردگی‌هایشان. و بالاخره مردی است که در برابر مرگ - چه آن جا که آدم می‌کشد و مرگ دیگری را شاهد است و چه آن جا که خودش محکوم به مرگ می‌شود - رفتاری غیر از رفتار آدم‌های معمولی دارد. نمایشنامه «سوء تفاهم» نیز که داستان کامل شده همان ماجرای ناقصی

است که قهرمان داستان «بیگانه» آن را از روی روزنامه پاره‌ای که در زندان خود یافته هزاران بار می‌خواند باز در اطراف همین مسئله دور می‌زند.

پسری است که از زادگاه خود برای کسب مال بیرون آمده و وقتی برمی‌گردد نه تنها برای مادر و خواهرش بیگانه‌ای بیش نیست بلکه حتی نمی‌داند چگونه خودش را به آنان معرفی کند. در همین میانه است که مادر و خواهرش به طمع پولی که در جیب او دیده‌اند او را می‌کشند. در این نمایشنامه مردمی هستند که فکر می‌کنند یا باید همچون سنگ شد و یا خودکشی کرد. این مادر و خواهر قاتل که پس از کشتن پسر و برادر خود دیگر نمی‌توانند سنگ بمانند و کلماتی مثل «گناه» و «عاطفه» تازه برایشان معنی پیدا کرده است، ناچار راه دوم را اختیار می‌کنند. برای بهتر درک کردن این داستان فلسفی، از نویسنده‌ای که آثارش تاکنون به فارسی منتشر نشده است لازم بود که توصیفی و یا مقدمه‌ای آورده شود و از این لحاظ بهتر این دیده شد که خلاصه ترجمه مقاله «ژان پل سارتر» نویسنده معاصر فرانسوی؛ که درباره همین کتاب نوشته شده است در آغاز کتاب گذارده شود. گرچه سارتر این مقاله را از یک نظر مخصوص نوشته است که شاید مورد علاقه خوانندگان نباشد، ولی در عین حال توصیفی است رساننده و دقیق که به فهم داستان کمک خواهد کرد، خلاصه کردن چنین مقاله‌ای بسیار دشوار و در عین حال جسورانه بود ولی چه باید کرد که برای این مقدمه بیش از شانزده صفحه جا گذاشته نشده بود. گذشته از اینکه ممکن بود ترجمه کامل آن برای خوانندگان ملالت آور بشود.